

فهرست

آب کرونالود و ماهی بی‌تدبیری / همین صفحه

امتداد راه / همین صفحه

مرکز بستر درمان هشت بندی میناب در هاله‌ای از ابهام / صفحه ۲

مردم قربانی حرص و طمع دولت / صفحه ۳

زاچ و داربست؛ از مجازی تا واقعیت / صفحه ۳

مسئله‌ی مهاجرین شهر بوشهر / صفحه ۴

آب در کوزه و ما تشنه‌لبان میگردیم / صفحه ۴



صوَر؛ ماهنامه تخصصی حوزه سلامت و مسائل اجتماعی دانشگاه‌های علوم پزشکی جنوب کشور

سال اول، شماره پنجم، مهرماه ۱۳۹۹؛ قیمت: ۵۰۰ تومان؛ تیراژ: ۱۰۰ عدد

شماره مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: ۱۴۸۱۴/ف

صاحب امتیاز: مرکز هماهنگ کننده بسیج دانشجویی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور

مدیرمسئول: وحیدطیّبی خرمی

شورای سردبیری: حمید طیّبی خرمی، محمد مهدی شرفی، فاطمه کورکی نژاد، افشین نوری

هیئت تحریریه: عباس درخشی (دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان)،

زینب سادات طلایی (دانشگاه علوم پزشکی یاسوج)، وحید طیّبی خرمی (دانشگاه علوم پزشکی شیراز)،

حسن کریم رحیمی (دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان)، فاطمه کورکی نژاد (دانشگاه علوم پزشکی شیراز)،

رضا ملاکی (دانشگاه علوم پزشکی بوشهر)، افشین نوری (دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان)

طراح گرافیک و صفحه‌آرایی: محمد راسخی (دانشگاه علوم پزشکی فسا)

نویسنده: وحید طیب خرمی؛ دانشگاه علوم پزشکی شیراز

آب کرونالود و ماهی بی‌تدبیری!



نزدیک به ۸ ماه از شناسایی اولین مورد مثبت ابتلا به کرونا در کشور می‌گذرد. در این ۸ ماه با بی تدبیری‌های مسئولین و عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی توسط برخی از مردم، روز به روز با افزایش آمار مبتلایان رو به رو بودیم.

این روزها آمار روزانه مبتلایان به کرونا به بیش از چهار هزار نفر رسیده و همچنان سیر صعودی و رکورد شکنی‌های خود را ادامه می‌دهد.

شاید ۸ ماه پیش کسی فکرش را نمی‌کرد که کرونا، ماه‌ها همراه مان باشد. آن روزها هم مردم بیشتر رعایت می‌کردند و هم دولت تلاش بیشتری برای مهارش انجام می‌داد.

اینک ۸ ماه از آغاز این پاندمی می‌گذرد و اثرات مخرب آن روز به روز بیشتر می‌گردد. شاید درمورد جهان پس از کرونا صحبت‌های زیادی شده باشد اما بیایید ایرانِ درگیر کرونا را بیشتر بررسی کنیم:

در این ۸ ماه قیمت دلار از ۱۳ هزار تومان به نزدیک ۳۳ هزار تومان رسیده است!

قیمت سکه از حدود ۵ میلیون تومان به بیش از ۱۶ میلیون تومان رسیده است!

قیمت پراید ۱۱۱ از نزدیک ۶۰ میلیون به بیش از ۱۴۰ میلیون رسیده است!

و این‌ها فقط مشتی است که نمونه خروار است...

شاید موفق‌ترین عملکرد دولت آقای روحانی، القای سیاست عادی انگاری در جامعه بوده است و حتی در این بحران کرونا نیز چیزی که بیش از هر چیزی نمایان بوده، القای همین سیاست عادی انگاری میان مردم است.

در ابتدا اعتراض به مدیریت نامناسب مسئولین و عدم کنترل درست بیماری کرونا، زیاد بود و هر جمع و گروهی به هر صورتی معترض شرایط بود. اما رفته رفته اینقدر دولت، اعتراضات را نادیده گرفت و معترضین را به هر شیوه‌ای سرکوب کرد تا مردم دیگر نه امیدی به نتیجه اعتراضات داشته باشند و نه حوصله‌ای برای فریاد مطالباتشان.



حالا روز به روز آمار مرگ و میر و مبتلایان بیشتر می‌شود و دیگر خبری از اعتراض هم نیست. اما در این میان اتفاق دیگری نیز افتاده است. زمانی که مردم سرگرم گرفتن آمار کرونا در تلویزیون و به دنبال رسیدگی به بیماران کرونایی اطراف خود بودند، دولت اقتصاد را بیش از پیش رها کرد. قیمت‌ها در عرض ۸ ماه چندین برابر شد. اتفاقی که در هیچ کجای دنیا نمی‌افتد. در عرض ۸ ماه میلیون‌ها نفر دیگر به زیر خط فقر رفتند و بازهم آب در دل آقای روحانی تکان نخورد!

در این اوضاع و احوال و گرفتاری مردم، نه تنها اقتصاد به امان خدا واگذار شد، بلکه همان سلامت مردم هم فراموش شد. با عملکرد ضعیف دولت و زیرمجموعه‌ها، داروهای خاص کم‌یاب شده و پذیرش بیماران غیرکرونایی با مشکل جدی رو به رو شده است.

درواقع دولت مردان از این فرصت و سرگرمی مردم استفاده کردند و از این آب کرونالود، ماهی بی تدبیری دیگری را صید کردند تا به استراحتشان برسند و کمتر از گذشته به مشکلات مردم رسیدگی کنند! حرفی برای گفتن نیست... فقط می‌توان گفت که ای کاش دولت بعدی انقلابی باشد...

امتداد راه «مدافعین سلامت»

شهید سعید شفاعت، جانباز شیمیایی ۲۵ درصد و کارشناس رادیولوژی بخش سی تی اسکن بیمارستان نمایی

نویسنده: فاطمه کورکی نژاد
دانشگاه علوم پزشکی شیراز



همکارانش می‌گفتند نمی‌گذاشت کاری روی زمین بماند یا بیماری معطل شود حتی اگر وظیفه خودش هم نبود آن کار را انجام میداد
دیگری می‌گفت نمیدانستم این همه نشاط و شوخ طبعی را میان آن سختی کار از کجا می‌آورد!
شاید همه این حسن خلق و احساس مسئولیت یادگار دورانی بود که نسل ما ندیده است
دورانی که آموزش دیده اند انسانیت را...
جان به دست گرفتن را...
با تمام وجود خدمت کردن را...
و آخر کار آن جانباز دفاع مقدس شد شهید مدافع سلامت...

غم و اندوه را میشد در چهره تمام کسانی که او را میشناختند دید اما یکی با حسرت گفت شاید اگر یک سال کرونا دیر تر می‌آمد او باز نشت میشد و دیگر در خط مقدم عکس برداری از بیماران مشکوک به کرونا جان خود را به خطر نمی‌انداخت
من اما فقط یک جمله در جواب حسرت او داشتم...
پایان شهیدانه زیستن شهیدانه مردن است...

از دور که به ما چرا نگاه کنی...
خبر شهادت یکی دیگر از مدافعین سلامت است..
با یک ایین بدرقه و مراسم تدفین و چند عکس با چاشنی تیترها و پیام‌های تسلیت...
اما به دل داستان که بزی...متوجه میشوی هر انسان یک جهان است، یک جهان متفاوت...
اقای سعید شفاعت کارشناس رادیولوژی بخش سی تی اسکن بیمارستان نمازی...
روز جمعه یازدهم مهر ماه به دلیل ابتلا به ویروس کرونا به خیل شهدای مدافع سلامت پیوستند
تابوت مشکی اش را که بر میداشتند یکی از همکارانش گفت دگر چه کسی در اوج خستگی اش بعد از شیفت‌های کاری شبانه روزی بازهم با خوشرویی ما را می‌خنداند؟
هر کسی نکته‌ای می‌گفت...کم‌کم جهانی ترسیم شد از یک مرد جنگ...
از مردی که نبرد در جبهه‌های مختلف او را خسته نمی‌کرد...
او با جراحات‌های به یادگار مانده از دفاع مقدس وارد کادر درمان شد و دهه‌ها متعهدانه خدمت کرد...



نویسنده: عباس درخسری
(دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان)

مرکز بستر درمان هشت بندی میناب در هاله‌ای از ابهام

شهر هشت‌بندی از توابع شهرستان میناب و در فاصله ۶۵ کیلومتری مرکز شهرستان می باشد که بیش از ۸۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

با این حال هنوز هیچ مرکز درمانی مجهز و فعالی ندارد، یعنی اینکه حداقلی از سهم بهداشت و درمان هم ندارند؛ چرا شهری با این جمعیت نباید مرکز درمانی داشته باشد؟ مرکز درمان بستر هشت‌بندی با مساحت ۵۰۰۰ متر مربع و زیربنای ۱۳۰۰ متر توسط بنیاد علوی وابسته به جانبازان در سال ۹۶ ساخته شد که زمین این مرکز توسط یکی از خیرین هشت‌بندی اهدا شده بود.

دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان قرار بود تامین تجهیزات و نیروی انسانی را بر عهده بگیرد.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی وقت (سال ۹۶) این مرکز را جزو مهمترین برنامه های طرح تحول نظام سلامت استان خواندند و قول

تجهیزات کامل و تامین نیروی انسانی را توسط دانشگاه علوم پزشکی دادند.

تا سال ۹۷ ریاست دکتر داوودی ادامه داشت؛ اما چرا بعد از ۳ سال این مرکز تجهیز نشد؟ آیا بودجه ای برای تجهیز مرکز تخصیص داده نشد؟ اگر تخصیص داده شد با بودجه چه شد؟ امسال با آمدن ویروس منحوس کرونا این دشواری را بر مردم این منطقه دوچندان کرد. در هشت بندی این ویروس شیوع گسترده داشته و فقط ۲ مطب شخصی در سطح شهر وجود دارد که پذیرای بیماران هستند، اکثر اوقات مطب ها، شلوغ بوده و این مسئله باعث مشکلاتی برای مردم شده، به طوری که بیماران مجبور هستند سرم‌های تجویزی خود را به شاخه درختان محوطه این مطب‌ها وصل کنند.

پیرو منتشر شدن اخبار متصل کردن سرم

بیماران به درختان، روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی با تکذیب موضوع وصل کردن سرم بیماران هشت بندی به درختان، گفتند: «بیماران هشت بندی به مرکز بستر درمان توکهور مراجعه می‌کنند و در این مرکز از نظر تجهیزات و خدمات درمانی مشکلی وجود ندارد.»

شاید پخش تصویر وصل کردن سرم بیماران به درخت، به منظور فشار آوردن به دانشگاه برای راه اندازی زودتر مرکز بستر درمان هشت بندی باشد!

همچنین خانم دکتر نوروزی مسئول روابط عمومی گفتند: «رئیس دانشگاه با توجه به اینکه هرمزگان در وضعیت قرمز به سر می‌برد، دستور داده که هر چه سریعتر مرکز بستر درمان هشت بندی تجهیز شود و در صورت نیاز به عنوان نقاهتگاه از آن استفاده شود.» اما در مقابل این پرسش که چرا بیش از ۳ سال مرکز

واحد مطالبه‌گری بسیج دانشگاه علوم پزشکی

بندرعباس پیگیر مسئله شده که به شرح زیر است:

با پیگیری های انجام شده قول تجهیز مرکز عملی شد و در حال حاضر مرکز تجهیز شده اما هنوز خبری از تامین نیروی انسانی نشده است؛ برخلاف وعده مقرر که تا هفته دولت مرکز به بهره برداری برسد و تا قبل از شهریور ۹۹ فعالیت مرکز آغاز شود.

طی ارتباطی که از طریق بسیج دانشجویی با دکتر حسین پور، معاونت بهداشت استان، گرفتیم ایشان بعد از چند روز عدم پاسخگویی، بالاخره جواب دادند:

"وقت بخیر و ربطی به معاونت بهداشت ندارد، به معاونت درمان و معاونت غذا و دارو مراجعه کنید"

یعنی بیش از سه چهار روز فقط برای یک خط پیام.

عملا بیشتر منقولات مربوط به مرکز بستردرمان از جانب ایشان بوده که اصلا ربطی هم به جناب دکتر نداشته است.

دکتر غریب زاده معاونت درمان ابتدا باخوش رویی جواب دادند اما به محض اینکه فهمیدند دانشجوی هستیم تنها جوابی که دادند این بود که باید نوبت بگیرید و تلاش های بعدی بسیج دانشجویی برای تماس با ایشان موفقیت آمیز نبود. البته مشکل از ما بود که دانشجوی بودیم!

اما بعد از اینکه نوبت گرفتیم ایشان جواب های جالبی دادند...

دکتر غریب زاده به دو مشکل اساسی اشاره کردند:

۱- این مرکز را اشتباهی زده اند (یعنی یک مرکز به فاصله دو سه کیلومتری این مرکز وجود دارد)

گویا صبح جمعه از خواب بیدار شده و دیده‌اند که مرکز جدیدی احداث شده است و از آن بی خبر بوده اند!

۲- مشکل دوم اینکه چیزی بنام «مرکز درمان بستر» نوع جدیدی از مراکز درمانی است که در سیستم هیچ بیمه ای وارد نشده و بیمه ای آن را قبول نمی‌کند و کلا واژه جدیدی است مثل "سه بر سه بر برابر"!!!

دکتر غریب زاده در مورد اول گفتند که یک مرکز این چنینی در فاصله دوسه کیلومتری وجود دارد که این مشکل را نیز ندارد...

دکتر غریب زاده راه حل هایی را ارائه کرده و فرمودند: یا باید زیرمجموعه بیمارستان میناب بشود یا به بخش خصوصی واگذار شود.

واحد مطالبه گری بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس همچنان پیگیر مسئله بوده و تا نتیجه نهایی و بهره برداری و فعالیت مرکز به مطالبه و پیگیری های خود ادامه می‌دهد و نتایج پیگیری را به گوش مردم خواهد رساند.



عکس: |
خبرگزاری دانشجویان



عکس: |
خبرگزاری دانشجویان



عکس: |
خبرگزاری دانشجویان

نویسنده:

(فَسیَن) نوری

دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

نئولیبرال های غربگرا

مردم قربانی حرص و طمع دولت

دزدی از نوع دولتی

سکانس دوم:

تبلیغات گسترده و مداوم تورهای ارزان قیمت کیش؛

«نشاط، شادابی، سلامتی با سفر به کیش»

تبلیغات در شبکه های مختلف صدا و سیما، تبلیغات در شرکت های هواپیمایی،

تبلیغات گسترده در رسانه ها و برگزاری انواع و اقسام جشنواره ها.

خبرنگار در حال تهیه گزارش از مسافران؛

چه لزومی داشت الان به مسافرت بروید؟

آیا از وضعیت کادر درمان اطلاع دارید؟

بهتر نبود در خانه بمانید؟

خب یک عده کار داشتند، یک عده مدتی بود پدر و مادرشان را ندیده بودند، یک عده میخواستند از شهرها دور شوند به روستا بروند تا مدتی استراحت کنند، یک عده برای قولنامه ی املاکشان سفر میکردند، یک عده هم از روی بی فرهنگی و بی وجدانی صرفا حال و روز خودشان را در نظر گرفته اند و بی توجه به کادر درمان به عیش و نوش مشغول هستند ما به این مسئله کاری نداریم مشکل ما سکانس دوم است

به کشورها دیکته می شود در حقیقت آنها هستند که تعیین میکنند بخش های مختلف جامعه چگونه باید ساخته شود و چه کاری انجام دهند. آنها مدیریت تجاری را در همه ارکان ها و موقعیت های اجتماعی مسلط میکنند که هدف آن همیشه سود بیشتر برای عده ای خاص می باشد و نتیجه ی چنین سیاستی اقتصاد رانتی و شکل گیری قدرت های مافیایی در انواع بخش های تجاری می باشد. آنها برای برپا نگه داشتن قدرتشان نیاز به نفوذ سیاسی قوی دارند به همین دلیل تمام تلاششان نشاندن چهره های اصلی این جریان بر روی صندلی سیاست می باشد با این کار خودشان قانون تعیین میکنند، به نفع خودشان حکم صادر میکنند، خودشان حقیقت را سرکوب میکنند، جریان های مخالف را با کمک چهره های سیاسی شان از رقابت حذف میکنند و با خیال راحت به اهدافشان می رسند.

به طور کلی اگر بخواهیم در دولت مهمترین سیاست های نئولیبرالیسم را بیان کنیم، میتوان به نوسازی فضای شهری به نفع قشر مرفه، کاهش حمایت از قشر کارگر، خصوصی سازی خدمات عمومی، کلاه برداری های کلان ابرشرکت ها و اختلاس ها که با اغماض روبرو میشود، افزایش شغل های با قیمت ناچیز و بی ثبات و نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی - درمانی اشاره کرد

در توصیف سیاست نئولیبرال میتوان اینگونه مثال زد؛ قشر فرودست در حکم زندانی، فرادست در حکم مالک زندان است و قشر متوسط را در حکم اداره کننده ی زندان بر سر کار می آورند تا شکمشان را سیر کنند

اما مهمترین نکته این است که این سیاست ها توسط بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی

این همان رویکرد نئولیبرالیسم حاکم بر جهان امروزی است که میگوید دولت باید انسجام و کیفیت پول و عملکرد بازار را کنترل کند حالا این وسط مهم نیست چه بلایی بر سر مردم بیاید، فقرا از گرسنگی بمیرند یا با مرگ عده ای بتوان بازار را احیا کرد مهم این است دولت بتواند با سلطه گری و توسل به قدرت حقوق مالکیت خصوصی را تضمین کند.

در اینجا نیز به وضوح مشاهده کردیم همان صدا و سیمایی که خبرنگاران را مکلف به تهیه گزارش از رانندگان در دوران کرونا میکرد خودش مسئول تبلیغات سفر به کیش در این شرایط بحرانی است. در حقیقت سکانس اول نیز ظاهرا از روی خیرخواهی است اما در اصل آن هم برای پرکردن خلا برنامه ای صدا و سیما و درآمدزایی سازمان می باشد.

قدرت مافیایی دولتی

عکس از طاهر عبدا... زاده
شبکه اطلاع رسانی هرمز

[هرمزگان]

زاچ و داربست؛ از مجازی تا واقعیت

معاون هماهنگی امور عمرانی استان هرمزگان: در سیلاب سال ۹۸ هیچ خسارتی به دو روستای زاچ و داربست وارد نشده است.

هرمزگان در چادرها، بدون وسایل خنک کننده با وجود شرایط کرونایی و عدم وجود امکانات بهداشتی مورد نیاز گذراندند معاونت استانداری هرمزگان خبر خود را با متن «هیچ خسارتی به دو روستای زاچ و داربست وارد نشده است.» شروع می کند؟

اگر جهادگران انقلابی، ستاد اجرایی فرمان امام و سپاه پاسداران به داد فریادهای مظلومانه مردمان محروم بشاگرد نمی رسیدند، استانداری تاکی می خواست تیتتر «علی برکت الله» بزند؟

حتی استانداری نتوانست برق مورد نیاز برای روشن کردن وسایل سرمایشی برای این مردم چادر نشین را فراهم کند و ۹۰ دانش آموز روستا همگی با یک معلم در چادر در حال آموزش دیدن هستند

ایسنا مهرماه ۹۹: «زاچ و داربست بعد از گذشت ماه ها از سیل در حسرت تکمیل اقدامات اساسی برای اسکان دائم و بهبود شرایط زندگی ساکنانش مانده است»

بالاخره در ۱۵ مهر ماه ۹۹ در جلسه مدیران دستگاه های زیرساختی استان واگذاری زمین و اعطای انشعاب برق به مردم در محل جدید روستا تحت عنوان ((شهرک شهید قاسم سلیمانی)) تصویب شد این اقدامات پس از دستور سرلشکر سلامی فرمانده کل قوا به دریادار تنگسیری برای امدادرسانی و کمک به خانواده ها صورت گرفت و مهندسی نیروی دریایی سپاه مسئولیت ساخت روستاها را برعهده دارد.

مسئله اینجاست که چرا بعد از این سیل ویرانگر که تمام مردم روستا را بی خانمان کرد و ماه ها در گرمای بالای ۴۰ درجه

نویسنده: حسن کیم رحیمی؛ دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان



پدر پیرتان ویرانی خانه های شما را ویرانی خانه خود می داند ...

مسئله‌ی مهاجرین شهر بوشهر

نویسنده:



رضا ملاکس

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

در این میان؛ مسئولانی از جمله فرمانده سپاه امام صادق (ع) بوشهر ، نماینده مجلس شهرستان بوشهر ، دیلم و گناوه و یا مسئولان دولتی اظهار نظر های مختلفی در جهت رفع مشکلات این مردم داشته اند ، اما راه حل های ارائه شده بیش تر پیرامون وام های بلاعوض و یا یک سال سکونت رایگان در یکی از شهر های اطراف است ؛ پیشنهاد ها و وعده هایی که تنها برای یک سال مشکل این مردم زجر دیده را حل خواهد کرد ... ؛ استانداری و وزارت کشور که مسئولیت مستقیم جنگ زندگان را برعهده دارد باید کمیته‌ای متشکل از نهاد هایی همچون بنیاد مستضعفان ، وزارت خانه‌های مختلف ، سپاه پاسداران و ... که می‌توانند در این زمینه کمک رسانی کنند تشکیل دهد ؛ سپس تقسیم وظایف صورت گیرد و این مشکل هرچه زود تر حل شود ؛ چون هم این مردم عزیز در زجر اند و بیم آن دارند که هر لحظه؛ دیگر سقفی بالای سرشان نباشد و هم ممکن است معاندان و بدخواهان این مرز و بوم همچون در مسئله غیزانیه و ده هامسئله اینچینی؛ سواستفاده کرده و باعث ایجاد بی نظمی، اغتشاش و ... شوند .

برای این امارت شاکی خصوصی پیدا شد ، با توجه به اسناد و مدارک ، مالکیت شاکی خصوصی اثبات گردید ، به دلایل مختلفی ، اجرای حکم علیه مهاجرین مسکوت ماند تا همین یکی دو ماه پیش که شاکی خصوصی با حضور ماموران نیروی انتظامی به تخریب چند منزل از این امارت پرداخت ، این قضیه باعث شد که این مردم فراموش شده برای مدت کوتاهی تیتتر خبری رسانه های استان بوشهر و کشور شوند ... مردمی که در همان خانه های ۴۰ سال پیش زندگی می کنند ، سطح بهداشت و امکانات رفاهیشان زیر صفر است ، اکثریت ، شغلشان دست فروشی و یا کارگری است ، مهاجرینی که امام (ره) پیرامون آن ها بارها و بارها به مسئولان سفارش می کنند و به جنگ زندگان می فرمایند ؛ پدر پیرتان ویرانی خانه های شما را ویرانی خانه خود می داند ...



پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ، مردم شریف استان های هم مرز با عراق مجبور به ترک خانه و کاشانه شان شدند ، بسیاری از آن ها حتی فرصت نکردند وسایل خانه شان را با خود ببرند ... از همین رو نخست وزیر وقت شهید رجایی برای ساماندهی و اسکان مهاجرین بنیادی به نام « بنیاد جنگ زندگان » تشکیل دادند ، در بنیانه ی تأسیس این بنیاد، وظایف آن برنامه ریزی و هماهنگی فعالیت های کمک رسانی و تأمین نیازهای مادی و معنوی مهاجران جنگ تحمیلی عنوان شده بود، بسیاری از مردم شریف و دلاور استان خوزستان ، به دلیل هم جواری با استان بوشهر ، این استان را برای سکونت برگزیدند ، حدود ۷۰ الی ۸۰ خانوار توسط بنیاد جنگ زندگان در امارتی قدیمی در یکی از محلات شهر بوشهر سکونت یافتند ، سال های بعد جنگ این بنیاد منحل شد و وظایفش به استانداری ها واگذار گردید و همین امر و عوامل دیگری دست به دست هم داد تا رسیدگی به این مردم شریف رو به فراموشی سپرده شود ، تا اینکه سال ۸۸

آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم...

مروری بر ظرفیت‌های مطلوب استان که مورد غفلت واقع شده‌اند

نویسنده:

[کهگیلویه و بویراحمد]



زینب سادات طلایی؛

دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

اطرافمان را که با ذره بینی از جنس دغدغه مندی نگاه می کنیم، جدای از هرسیاستی در بطن مشکلاتمان باواژه ای روبرو می شویم به نام «اقتصاد». در یک تعریف کامل، اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع محدود به خواسته های نامحدود است و در تعریفی خودمانی تر اقتصاد یعنی همان پول و گردش آن در نظام هدفمند. پول که اساساً آجیل مشکل گشای تمام مشکلات زندگی روزمره ی ما است، میتواند فرهنگ، سیاست و آموزش را متحول سازد و به قول معروف:» شاید پول خوشبختی نیاورد ولی بی پولی بطور حتم بدبختی را به همراه خواهد داشت.»

بحران بیکاری که ما را از بدست آوردن پول و اسکناس های رایج کشور محروم میسازد یکی از معضلاتی است که باید در دنیای اقتصاد به آن توجه ویژه ای شود. غول بیکاری این روزها بر استان کهگیلویه و بویراحمد سایه افکنده و خودکشی، فقر، طلاق و... را با خود میهمان این استان کرده است. فرهنگ غنی استان کهگیلویه و بویراحمد در میان دیوارهای

کوهستانی با تغذیه از سه فرهنگ پربار اسلام، آریایی و بومی منطقه ای، زندگی عشایری، روستایی و شهرنشینی را در خود جای داده که تاثیرپذیری از سایر استانها چون وصله ی ناجوری بر پیکره ی ناب منطقه هویدا است. این استان مجموعه ای ارزشمند از زیبایی های تاریخی و طبیعی است که از دامنه های کوه های زاگرس تا جلگه های حاصلخیز حاشیه خلیج فارس گسترده شده است. طبیعت استان به دلیل ناشناخته بودن در بین مردم، هنوز هم به صورت بکر و دست نخورده باقی مانده است که وجود ۱۶۰ چشمه و ۱۰ آبشار از ویژگی های طبیعی استان می باشد.

تهیه داده های اقتصاد محلی و به کارگیری علم بازاریابی راه حلی است که میتواند بر غول بیکاری در استان غالب گردد و با متمرکز شدن بر مزیت های رقابتی هر منطقه نقش کلیدی را ایفا کند. آمار و ارقام استانی، بیکاری را در نمودار ها یک موضوع عادی و حتی پایین تر از نرخ کشوری نشان میدهد. این در حالی است که ۸۴/۶ درصد از معضلات و مشکلات

وفور در ارتفاعات این استان یافت می شوند و بوماداران، بیلهر، جاشیر خوراکی، تره کوهی و سیاهدانه از جمله گیاهان دارویی و خوراکی در این منطقه هستند.

از مجموع گیاهان دارویی شناسایی شده در این منطقه ۱۱۱ گونه آنها خوراکی، ۲۰۰ گونه دارویی، ۸۷ گونه رنگی، ۵۰ گونه درخت و درختچه و میوه وحشی، ۱۲ گونه روغنی، ۴۰ گونه صمغ دار، ۸۷ گونه اسانس دار و ۲۵ گونه ادویه ای می باشند.

موارد گفته شده تنها قطره ی کوچکی از اقیانوس طبیعی در یک استان جنوبی در کشور عزیزمان ایران است که با وجود چنین پتانسیل هایی به دلیل بی مسئولیتی و عدم برنامه ریزی مدیران استانی و کشوری، نرخ بیکاری آن در تاریخ ثبت خواهد شد؛ مادری در آن برای امرار معاش تکدی گری و پدری در خیابان های آن دست فروشی میکند و در این میان، زاگرس همان مظهر استقامت، شاهد ترک فرزندان خود از دیار مادری برای رفع نیازهای مادی است.

خانمان سوز استان به بیکاری و فقر اقتصادی بر میگردد. (نکته ی قابل ذکر در اینجا بی تدبیری مسئولینی است که وضعیت دو قطبی را نیز طبق روابط قوم گرایی در اکثریت شهرستان های استان ایجاد کرده اند.) بررسی های انجام شده ظرفیت و پتانسیل طبیعی استان را آنچنان بالا میدانند که هر ساله میتوان شاهد ایجاد چهار هزار شغل در این منطقه بود! استان با مساحت حدود ۱۶ هزار و ۲۴۹ کیلومتر مربع، سرزمینی نسبتاً مرتفع و کوهستانی است که بر اساس برآوردها، ۲۰۰ هزار هکتار از مراتع، قابلیت کشت گیاهان دارویی را دارا هستند. گیاهان دارویی یکی از ظرفیت های مطلوب اقتصادی هر منطقه می باشند که در این میان کهگیلویه و بویراحمد با دارا بودن بیش از ۴۷۵ گونه گیاه دارویی از مجموع ۲ هزار و ۱۰۰ گونه گیاهی موجود -۲۸ درصد از مجموع ۷ هزار و ۵۰۰ نوع گونه گیاهی موجود در کشور- یکی از متنوع ترین استان های کشور است. در این بین، ۴۶ گونه گیاهی اندمیک (بومی) و سه گیاه دارویی کمیاب دنیا شامل باربجه، آنگوزه و گزانگبین به